

جایگاه معذرت خواهی در اسلام

امیرفیض- حقوقدان

ناظریم که در فرهنگ و تربیت اروپایی معذرت وپوزش جای روشن وشناخته شده ای دارد وگاه مرافعات وپی آمد های ناگواری بااستفاده ازواژه <Sorry> متوقف میشود آنقدر استفاده ازواژه مزبور آسان وهمگانی است که گاه بیجهت هم بکارمیرود ولی در فرهنگ اسلامی استفاده از واژه مزبور نه چنان که باید معمول نیست که تاحدی مذموم هم هست، زیرا چیزی که معمول نباشد هم غریبه است وهم مذموم.

چند روزپیش دو اتفاق بد وتاثر آور در ایران رویداد که منجر به کشته شدن چندین دختر و سوختن آنها شد، برای وزیرآموزش وپرورش عذرخواهی کردن دشوار بود وبلاخره باعبارت <ازامروز تاروزقیامت هرگونه نظیراتفاقی که افتاده معذرت میخواهم> خواست سروته قضیه راگرفته باشد اما نشد واستیضاح همچنان ادامه داشت تاجانی که انتظار استعفاى او هم مطرح است.

جریان مقاومت باصطلاح وزیرازعذر خواهی این سوال رامطرح میسازد که چرا در جوامع اسلامی عذرخواهی معمول نیست ومعامله این کالای بدون خرج رایج نمیشود.

عذرخواهی به معنای آن است که عذرخواه، از اقدام نامناسبی که کرده واحتمالا سبب آزار و یا زیان طرف شده پوزش میخواهد درمقوله معذرت خواهی، نخست معذرت خواه قبول خلاف از ناحیه خودرا تصدیق دارد ودرواقع معذرت خواهی متاعی است که درمقابل آن خطا وقبول بخشش، از طرف دیگر میپردازد.

قبول خطا از ناحیه معذرت خواه رکن اصلی برای ورود به معذرت است زیرا معذرت خواه، خود رامسنول عمل خود میداند وبالطبع انتظارعکس العمل از ناحیه طرف راحق میداند وبرای جلوگیری ازعکس العمل طرف ویا تخفیف آن، مُقدم به عذرخواهی میشود.

مسلمانان به اراده شخص درانجام کارد درست ویناد درست عقیده ندارند وبراین باورند که <تمام رویداد ها مثبت دراستیلا و انقیاد تقدیر وسرنوشت انسان ها ست ودرجریان اجرای آنها اراده انسان نقشی ندارد ومقاومت هم بیفایده است>

مینای این باور آنها ارانه طریق قرآن است که درایات متعددی اراده انجام هرعملی رابخواست ودستور خداوند میداند البته درهمان قرآن هم آیاتی هست که انسان ها را منشاء اراده میشناسد؛ از جمله آیه ۱۸۳ سوره عمل است که صحبت از انجام کارها بدست انسان ها وبخواست آنها دارد.

گروهی ازمسلمانان انسان راغیرمستقل میدانند وعقیده دارند هرفعلی که بدست انسان صورت میگیرد قبلا خدا آنرا خواسته وتحقق آنرا منظور داشته است <هیچ موجودی درعالم هستی استقلالی ندارد>.

گروه دیگری هم به استناد پاره ای از آیات قرآن، انسان را مختاربه انجام عمل میدانند که این جریان سبب بوجود آمدن معتزله و اشاعره شده است.

همینجایین اشاره بجاست که دین زرتشت اصرارهمه جانبه ای دارد درمختاربودن انسان ودر گات، (ها) انسان با عنوان هوشمند خطاب گرفته که به دنبال گفتار وکردارخوب باشید و آنرا خود انتخاب کنیدو قرآن دریکجا انسان راستوده و در آیات دیگر انسان رابه حقارت وپستی ونادانی متصف ساخته است.

مذهب تشیع وجبرواختیار

شیعه که یک مذهب بدعتی گروهی ازمسلمانان است ومبانی اعتقادی آنها دو اصل اضافه برسه اصول دین اسلام دارد نسبت به مسئله جبر و اختیارعقیده ای فیما بین دارد که درکلام نزدیک میتوان گفت (قدری ازجبروقدری ازاختیار)= کمی

از این و کمی از آن) و در حقیقت هر جا که خواست جبری است و هر جا که مصلحت است اختیاری عین نظریه علامه طباطبائی را در این مورد می‌آوریم که خوشا به حال خواننده ای که اگر فهمید که بالاخره شیعیان جبری هستند یا اختیاری.

> انسان خود را با طبع مختار می‌داند (دقت کنید از قول انسان می‌گوید انسانی که ۱۴۰۰ سال است که معلوم نیست و خودش نمیداند اختیاری است و یاجبری) به اختیار تشریحی که کاری انجام بدهد یا ندهد یعنی در مقابل آن اختیار تکوینی قانونا خود را مختار می‌داند. پس انسان در مقابل انسان های دیگر آزاد و مختار است اما در مقابل خدای سبحان از آنجا که خداوند مالک ذات و امثال انسان است و مالکیتش هم مطلق است هم ملک تکوینی و هم ملک تشریحی لذا انسان به آنچه که خدای متعال به امر تشریحی و نهی تشریحی و آنچه که مشیت تکوینی از او بخواهد هیچگونه آزادی و اختیاری ندارد.

(المیزان جلد ۱۶ صفحه ۹۷)

استقبال مسلمانان از جبری بودن

از آنجا که انسان بطور طبیعی خواستار سلب مسئولیت از خود و توجه آن به دیگران است، بسوی عقیده جبری بودن کشیده شد و امروز همانطور که میدانیم مسلمانان جهان اکثر قریب به اتفاق جبری هستند یعنی آنچه اتفاق می‌افتد در مسئولیت آنان نیست و به مسئولیت و خواست خداوند است ضرب المثل های (هر چه پیش آید خوش آید)، (تقدیر چو سابق است تدبیر چه سود)، (هر چه خدا خواست همان میرسد ورنه ستانی به ستم میرسد)، (زمان و زمین رابهم بدوزی خداوند ندهد بیش روزی) و بالاخره بیت <حسابی برگرفت از روی تدبیر نبود آگه زبازی های تقدیر>

و امثال فراوان آنها نشانگر آن است که مسلمانان به بازی تقدیر و جبری بودن اعتقاد جدی دارند جدی بودن باور آنها به مسئله جبری بودن انسان، میدانی برای عرض وجود به کسانی که از آیات دیگر قرآن به تفسیر آزادی انسان می‌رسند نداده و در نهایت مسئله عذرخواهی که رابطه مستقیم با قبول توجه عمل به عذرخواه است در میان مسلمانان رایج نیست چرا که وقتی کسی معتقد است که در ارتکاب عملی دخالت ارادی و عملی نداشته و خواست خدا بوده دیگر عذرخواهی از جانب خداوند را کاردستی نمیداند.

علمای معروف مذهب شیعه حتی برای تاخن گرفتن و اینکه چه روزی این عمل باید صورت گیرد و یا لباس نواختن دستورات جامعی دارند ولی حتی یک اشاره کوچک نسبت به لزوم عذرخواهی از دیگران ندارند.

بحث جبری و یا اختیاری بودن انسان از همان اوائل قرن اول هجری آغاز شد و هنوز هم ادامه دارد علمای کشورهای اسلامی تلاش مدام دارند که با تفاسیر گوناگون از آیات قرآن و نظرات مفسرین اسلامی انسان را دارای اختیار معرفی کنند چرا که با جبری شناختن انسان اصل مجازات متخلفین زیر سوال واقع میشود ولی بهرحال تلاش فلسفی آنها نتوانسته به ریشه باورهای آنها در تعلق خواست خدا به آنچه روی میدهد تزلزلی وارد سازد.

اگر معذرت خواهی بین مسلمانان رایج نیست برعکس <طلب مغفرت> مرسوم است یعنی از خداوند میخواهند که گناهان شخص را ببخشد مثلا در مراسم عزاداری برای دخترانی که در آتش سوختند طلب مغفرت شد معنای این عمل این است که طلب کنندگان مغفرت چون عقیده دارند که خواست خداوند سوزاندن دختران بوده و باز عقیده دارند که عمل خدا بیجا نیست و لابد از این است که آن دختران مرتکب گناهی هم شده اند لذا از خداوند طلب بخشش آن دختران سوخته شده را کرده اند.

وزیر آموزش و پرورش هم چون یک شیعه معتقد است بر این باور است که خواست و اراده خدا بوده که آن دختران سوخته اند بنابراین عذرخواهی کردن او بی مورد و طلب مغفرت کردن کاردست و شرعی است.

علت عقب ماندگی و فقر کشورهای اسلامی

برخی از محققین خارجی یکی از علل طبیعی عقب ماندگی کشورهای اسلامی را باور مسلمانان آن کشورها به جبری و انحصار توکل به خدا میدانند. میتوان تا حدودی نظریه مزبور را قبول داشت.

خدا در قرآن ضامن روزی انسان ها معرفی شده است (آیات ۵۹ و ۶۰ سوره عنکبوت - ۱۰ سوره شورا) مفسرین قرآنی نوشته اند «روزی دهنده خداوند است و برخداست که روزی بندگان را بدهد و روزی مستقر و موقت آنها در قرآن میرهن و معین است و فراخی و تنگی روزی هم در دست اوست» (نیروی بازدارنده اسلام ۴۴)

این چنین باور و توکلی که مسلمانان به خدا و جبر او دارند لازم نمیسازد که آنها به فکرو تلاش برای کار و درآمد باشند.

توکل و جبری بودن یک حالت رضایت عمومی از آنچه که هست و شخص دارد بوجود میآورد که یکی از آنها قناعت است که کاملاً در فرهنگ و ادبیات ما قابل ملاحظه است، قصیده معروف شیخ بهائی معرف رسوب این باور است یک بیت اول آن این است؛

گر نباشد جامه اطلس ترا کهنه دلقی ساترین بس ترا

در ادبیات ما ایرانیان اسلام زده توصیه به توکل به خدا و قناعت به آنچه که داریم عمومیت دارد و عکس آن تقریباً نایاب است بیت زیر میدان موفقیت قناعت و درویشی را مجسم میکند.

درویش راکه ملک قناعت مسلم است درویش نام دارد و سلطان عالم است

علاقمندان به مطالعه تاثیر نیروی بازدارنده اسلام در ترقی جوامع از نظر اقتصادی و فرهنگی و میهن پرستی میتوانند به رساله نیروی بازدارنده از انتشارات سنگر امرداد سال ۱۳۶۴ رجوع فرمایند.